

بررسی رابطه بین خلاقیت هیجانی و عدالت آموزشی در بین معلمان مقطع ابتدایی شهر بشرویه

مینا عظیمیان^۱، علی اکبر عجم^۲

۱- کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی، گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، گناباد، ایران. Email: Azimiyan ۹۹۶۵@gmail.com

۲- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران. Email: aliakbarajam1۳۸۷@gmail.com

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین خلاقیت هیجانی و عدالت آموزشی بود. این مطالعه به صورت یک بررسی توصیفی همبستگی در بین معلمان مقطع دبستان شهر بشرویه انجام شد. نمونه آماری به صورت روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای بر اساس جدول مورگان انتخاب شد که شامل ۱۲۵ نفر می باشد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه خلاقیت هیجانی آوریل (ECI) و پرسشنامه عدالت آموزشی گل پرور (الف وب ۱۳۸۹) بود و نتایج حاصل از بررسی رابطه همبستگی بین خلاقیت هیجانی و عدالت آموزشی نشان می دهد که بین خلاقیت هیجانی و عدالت آموزشی در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ ارتباط معنی داری وجود ندارد. همچنین به منظور پیش بینی خلاقیت براساس نمرات عدالت آموزشی از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد که نتایج به دست آمده نشان داد بین ابعاد خلاقیت هیجانی و عدالت آموزشی نیز ارتباط معناداری وجود ندارد. در انتها نتایج تحلیل t تک نمونه ای نیز مشخص کرد که عدالت آموزشی معلمان و ابعاد کارایی و اصالت و آمادگی هیجانی آنان با توجه به نمره معیار ۳ بالاتر از متوسط قرار دارد.

کلمات کلیدی: خلاقیت هیجانی، عدالت آموزشی، معلمان شهر بشرویه.

۱. مقدمه

از جمله سازه های مرتبط با فرآیند یادگیری و تعلیم و تربیت، سازه خلاقیت است. از آنجا که یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش، پرورش استعدادهای خلاق است و نیز بر اساس تحقیقات مختلف خلاقیت بر پیشرفت تحصیلی اثرگذار است، توجه به این توانایی دانش آموز و تأثیر آن بر فرآیند یادگیری و متغیرهای میانجی آن ضروری به نظر می رسد. سانتراک، خلاقیت را توانایی اندیشیدن در مورد امور به شیوه های بدیع و غیر معمول و دستیابی به راه حل های بی بدیل برای مسائل می داند (رهنما و عبدالملکی، ۱۳۸۸).

از دیدگاه برخی از محققان از جمله جیمیسون (۱۹۹۳)؛ بارون و هرینتون (۱۹۸۱)، خلاقیت سازه ایست که با مؤلفه های هیجانی و شناختی در هم آمیخته است (به نقل از سروی و استا و همکاران، ۲۰۱۰). خلاقیت در حیطه ی هیجانات از سال ۱۹۸۰ با فعالیت آوریل شروع شد و خلاقیت هیجانی را به صورت توانایی تجربه و بیان ترکیبی از هیجان ها به صورتی تأثیرگذار تعریف می کند (هاشمی، ۱۳۸۸). آوریل و نانلی خلاقیت هیجانی را ابراز خود به روشی جدید که براساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته و روابط میان فردی او افزایش می یابد تعریف کرده اند. سه مفهوم بداعت، صداقت و اثربخشی در این تعریف نهفته اند. بداعت یعنی توانایی تغییر در هیجانات متداول فرد است. اثربخشی به هماهنگی پاسخ خلاق با زمینه های اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد، به گونه ای که برقراری روابط مطلوب با دیگران را ممکن می کند و موجب بهبود شیوه تفکر فردی را نیز فراهم